بررسی پنج دیدگاه در زمینه ضرورت تاسیس حکومت اسلامی نظریه اهل سنت

بررسی پنج دیدگاه در زمینه ضرورت تاسیس حکومت اسلامی نظریه اهل سنت

غلام رضا ذاکر صالحی

عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین علیه السلام

بسم ا الرحمن الرحیم

در مقاله حاضر تلاش شده است با بهره گیری از منابع دست اول اهل سنت به سئوالات زیر که تاثیر بنیادی در ترسیم نظریه کلی برادران اهل سنت در خصوص «اصل حکومت» دارد، پاسخ داده شود:

1 ـ دسته بندی کلی پنج دیدگاه رایج در زمینه ضرورت حکومت چیست؟ قائلین به وجوب حکومت، برپایی حکومت را بر چه کسانی واجب می دانند؟ قائلین به جواز چه کسانی هستند و جواز آن را مربوط به چه چیزی می دانند؟ قائلین به تفصیل، برپایی حکومت را در چه زمانی واجب می دانند؟

2 ـ آیا اجماع مورد ادعا در خصوص وجوب امامت و خلافت خرق شده است؟

3 ـ دلایل عقلی از قبیل ضرورت منع تظالم، ضرورت فصل خصومت ها و ضرورت دفع هرج و مرج چه جایگاهی در ترسیم تئوری عمومی اهل سنت در این زمینه دارند؟

4 ـ آیا برای اثبات اصل حکومت اسلامی در منابع اهل سنت به دلایل کلامی نیز استناد شده است؟ چه دلایلی؟

5 ـ در دلایل قرآنی به چه آیاتی توسل جسته شده است؟

6 ـ احادیث مورد استناد در این زمینه کدام اند؟ آیادر کنار سنت قولی، سنت فعلی نیز مطرح شده است؟ آیا احادیث مورد استناد، لزوم وجود حکومت را می رسانند یالزوم تاسیس حکومت اسلامی را؟

7 ـ قائلین به جواز نصب امام در این زمینه چه می گویند؟

8 ـ دلایل متاخرینی چون علی عبدالرزاق که حکومت را یک امر طبیعی و مدنی می دانند در این زمینه چیست؟

9 ـ پاسخ قائلین به وجوب به دیگران چیست؟

10 ـ در منابع اهل سنت نوع وجوب برپایی حکومت، وجوب عینی است یا کفایی؟

در ابتدای بحث به طرح پنج دیدگاه موجود که در قالب سه دیدگاه کلی تدوین شده است می پردازیم.

با این توضیح که در مشروع بودن خلافت و «امامت عظمی» در بین علمای اهل سنت، جز عده بسیار معدودی از علمای معاصر اختلافی وجود ندارد. بلکه اگر اختلافی هست در درجه حکمی است که این مشروعیت بدان منتهی می شود. اما سه دیدگاه کلی بقرار زیر است:

1 ـ مذهب وجوب:

الف ـ وجوب آن برامت: این مذهب اهل سنت و مرجئه و جمهور معتزله و جمهور خوارج و زیدیه از شیعه است.

ب ـ وجوب آن بر خداوند: مذهب امامیه و اسماعیلیه از شیعه است. البته امامیه آن را برای حفظ قوانین شرع از تغییر (زیادت و نقص) بر خدا واجب می دانند اما اسماعیلیه، آن را برای اینکه معرف خدا و صفات او باشد، واجب می دانند.

2 ـ مذهب جواز:

قول فرقه «نجدات» اتباع نجده بن عمیر حنفی از خوارج است. جواز آن مربوط به نیاز امت است.

3 ـ مذهب تفصیل:

الف ـ واجب است نصب امام هنگام امنیت نه هنگام فتنه (قول هشام الفوطی).

ب ـ واجب است نصب امام هنگام فتنه نه هنگام امنیت (قول ابی بکر اصم)(1).

ابو الحسن ما وردی قائل به وجوب نصب امام آنهم برامت است. کما اینکه گوید: «وعقدها لمن یقوم بها فی الامة واجب بالاجماع...»(2).

ماوردی برای اثبات نظر خود از هر چهار منبع اساسی فقه ادله ای را آورده است که ما به همان ترتیبی که این ادله در کتاب احکام السلطانیه مذکور شده اند آنها را می آوریم:

دلیل اول اجماع - اجماع صحابه و تابعین وعلماست بر وجوب امامت و خلافت، ماوردی می نویسد:

واجب بالاجماع وان شذ عنهم الاصم. قلقشندی منظور ماوردی از این عبارت را توضیح می دهد که یعنی حیث

لم یقل بوجوب ذلك. می خواهد بگوید وقتی

---

1 ـ ر. ک: قرعوش محمود - طرق انتهاء ولایه الحکام - ص 17.

2 ـ ماوردی ابو الحسن - الاحکام السلطانیه - ص 5.

مخالفین این قول نادرند، در حالیکه مجمعین زیادند، این، باعث انقطاع حجیت اجماع نمی شود و این در کتب اصولی نیز راجح است(1).

ابن خلدون نیز معتقد است نظریات شذوذی چون ابو بکر اصم معتزلی و برخی از خوارج نه تنها این اجماع را نمی شکند بلکه بوسیله آن مردود میشوند! وی تصریح می کند که تعیین کردن امام واجب است، چنانکه وجوب آن در شرع به اجماع صحابه و تابعین معلوم شده است. زیرا اصحاب پیامبر صلّی ا علیه وآله وسلم هنگام وفات وی به بیعت کردن با ابو بکر مبادرت ورزیدند و در امور خویش تسلیم نظر وی شدند. و همچنین تمام اعصار از وی، این شیوه را مجری می داشتند و مردم در هیچ روزگاری به حال هرج و مرج و بی سروسامانی نماندند و استقرار این امر در همه ادوار به منزله اجماعی است که بر وجوب تعیین امام دلالت دارد.

بغدادی(2)، شاگرد ما وردی نیز بیشتر به اجماع اهمیت داده است تا نصّ، وتذکر داده است که «اکثریت قریب به اتفاق اهل سنت اعم از متکلمین و فقها و نیز خوارج، شیعیان و معتزله به استثنای ابو بکر اصم و هشام فواطی، قائل به وجوب امامت و خلافت اند و این امر برای اثبات ضرورت خلافت، خود، بزرگترین حجت است»(3).

به استناد گفته های بغدادی و ابن خلدون و دیگران، ابو بکر اصم عقیده داشته که

---

1 ـ قلقشندی - مآثر الاناقه - ج1 ص 29.

2 ـ عبدالقاهر بن طاهر بن محمد تمیمی، از مشاهیر ادباء و فقهاء شافعیه است. او را در حساب وفرائض ید طولانی بوده است، مولد و منشاء او بغداد است. سپس به نیشابور شد و تا گاه وفات بدانجا بزیست. وی فقه را از ابو الحسن اسفراینی فراگرفت و پس از مرگ استاد خویش بجای او در مسجد عقیل به تدریس و املاء پرداخت. وی صاحب ثروت و مالی بسیار بود و طلاب علوم را از مال خویش احسان میکرد و در سال 429 به اسفراین درگذشت، او راست کتاب: التکملة در حساب. و تفسیر قرآن کریم و تاویل متشابه الاخبار و کتاب فضائح المعتزلة والملل والنحل والفرق بین الفرق و.. به نقل از لغت نامه دهخدا - جلد 3 ص 867.

3 ـ بغدادی، عبدالقاهر - اصول الدین - ص 271.

جامعه فاضله، جامعه عدل و انصاف است و چنین جامعه ای به رئیس سیاسی احتیاج ندارد. حال اگر بودن رئیس ضرورت پیدا کرده، بدلیل آن است که خود افراد، به یکدیگر ظلم و اجحاف می کنند. بنابراین در صورتی که اعضای جامعه از تعدی به یکدیگر دست بردارند، جامعه رئیس لازم نخواهد داشت. از این جهت خلافت نه واجب عقلی است و نه واجب شرعي(1).

ابویعلی فراء در احکام السلطانیه نیز قائل به اجماع در وجوب امامت است و گوید: اگر این مسئله نزد صحابه مورد اتفاق نبود، این همه محاورات و مناظرات در سقیفه بر سر مسئله امامت، روا نبود(2).

بنابراین روشن شد که بسیاری از علمای اهل سنت اجماع را از اصلی ترین دلایل وجوب نصب امام و تشکیل حکومت اسلامی می دانند.

دلیل دوم (عقل) - در ارتباط با دلایل عقلی، ماوردی متذکر می شود که چند ضرورت اساسی برای جامعه بشری ایجاب می کند که جامعه به رئیس و زعیم محتاج باشد. از جمله آنها:

1 ـ ضرورت منع تظالم.

2 ـ ضرورت فصل خصومت ها و تنازعات.

3 ـ ضرورت دفع هرج و مرج و تشتت است. بصورت خلاصه مجموعه بحث ماوردی را بشکل زیر می توان نشاد داد:

1 ـ ضرورت عدالت و امنیت # ظلم و نا امنی.

ضرورت های عقلی تشکیل حکومت از نظر ما وردی:

2 ـ ضرورت صلح و آرامش # خونریزی و تنازع.

3 ـ ضرورت نظم و وحدت # تفرقه و تشتت و اختلاف.

ماوردی با تمسک به بداهت و ضرورت هنجارهای اجتماعی از دیدگاه عقلانی،

_____

1 ـ بغدادی، عبد القاهر - اصول الدین - ص 272.

2 ـ ابی یعلی فراء - الاحکام السلطانیه - ص 19.

بخوبی توانسته است وجوب امامت را استنتاج نماید. وی با توجه دادن به این نکته که طبیعت و سیره عقلا اصل «تسلیم در مقابل زعیم» را بما نشان می دهد، به وجوب امامت جنبه اعتقادی داده است. او می نویسد:

«در طبیعت افراد سلیم است که خود را به رئیسی (زعیم) بسپارند تا وی از تعدی و تجاوز آنان به یکدیگر جلوگیری کرده و به اختلافات و دعاوی مردم رسیدگی کند. جامعه ای که سرپرست نداشته باشد، دستخوش هرج و مرج گردیده و اعضای آن همانند و حشیانی که به خود رها شده اند، علی الدوام در نزاع

با یکدیگر بسر خواهند برد»(1).

برخی از اندیشمندان اسلامی از این بخش از سخن ماوردی تعبیر به «دفع ضرر مظنون» نموده و گفته اند: در نصب امام، دفع ضرر مظنون است و دفع ضرر واجب است و مالا یتم الواجب الا به واجب. و بدیهی است که مقصود شارع از تشریع مواردی چون معاملات و حدود و... تمام نمی شود مگر بوجود امام، پس تعیین وی واجب خواهد بود(2).

از امام ابو حفص عمر نسفی نیز نقل شده است که گوید: «لابد امت مسلمان را از امامی که قائم شود در میان ایشان به تنفیذ احکام ایشان و اقامت حدودشان و سد مداخل کفار به بلاد اسلام و روان گردانیدن لشکرها و فراگرفتن زکاة و صدقه فرضیه و قهر کردن متغلبان و دزدان و قاطعان طریق و اقامت جمعه ها و عیدها و قطع منازعات واقعه میان بندگان و قبول شهادات قایمه بر حقوق تزویج اطفال که ایشان را اولیاء نباشد و قسمت غنیمت ها»(3).

_____

1 ـ الماوردی، ابو الحسن - الاحکام السلطانیه - ص 5.

2 ـ رجوع کنید به: روزبهان خنجی، فضل ا سلوک الملوک ص 77.

ایضا قرعوش، محمود - طرق انتهاء ولایة الحکام - ص 18 به بعد.

3 ـ روزبهان خنجی، فضل ا - سلوک الملوک ص 77.

اصولاً ماوردی مروج اندیشه ای است در اهل سنت که بعدها به یک فرهنگ تبدیل گردید، و آن عبارت است از تاکید و اهمیت بی شمار بر ضرورت حفظ یکپارچگی جامعه اسلامی و پرهیز از هر عاملی که نظم و آرامش را بهم زند. وی تا آنجا پیش رفته است که موضوع مهمی چون اثبات ضرورت تشکیل حکومت را نیز بدان مربوط نموده است. همانطور که ملاحظه گردید، بسیاری از فقها پس از ایشان بر اهمیت این نکته در ضرورت وجود حکومت اسلامی و نصب امام پافشاری نمودند.

این تیمیه حنبلی، از این نکته بدین گونه تعبیر می آورد که: «مصلحت بنی آدم تمام و کامل نمی شود مگر به اجتماع، زیرا به همدیگر نیاز دارند. لذا پیوسته به «راس» نیاز دارند». وی سپس حدیثی از پیامبر صلی ا علیه وآله وسلم نقل می کند که فرمود: اذا خرج ثلاثة فی سفر فلیؤمر احدهم(1).

وی در تفسیر این حدیث گوید: کلمه سفر نشان دهنده این ضرورت است که در سایر انواع اجتماع و امر بمعروف و نهی از منکر، جهاد، اقامه حج، جمعه، اعیاد و نصرت مظلوم و اقامه حدود جز به وجود قوت وامارت میسر نمی شود و تجربه نیز مؤید این مطلب است. به همین دلیل گذشتگانی چون فضیل بن عیاض و احمد بن حنبل و غیر آنها می گفتند: لو کان لنا دعوة مجابة لدعونا بها للسلطان!

در مجموع باید اذعان نمود که اولاً، ماوردی دلایل خود در این بخش را بعنوان دلایل عقلی مطرح نموده و پروائی نداشته است. ثانیاً، دلیل عقلی را که وی طرح نموده خود سه دلیل مجزا و سه ضرورت عقلی قطعی است که در حقیقت کامل ترین بیان از مطلب حتی نسبت به بیانات علمای متاخر از ایشان است.

دلیل سوم: سومین دلیل که برای اثبات وجوب نصب امام ارائه شده یک تحلیل

---

1 ـ راوی حدیث را ابو داوود از ابی سعید و ابی هریره نقل نموده و ترجمه حدیث این است: هنگامی که سه نفر از شما جهت مسافرت خارج شوند پس باید یکنفر از آنان بر بقیه، امارت و سرپرستی نماید.

کلامی است که در حقیقت از نظر محتوا دلیل شرعی است. این دلیل می گوید: امام مجری قواعد وامور شرعی است و وی در برابر خداوند مسئول اعمال خود می باشد. حال اگر فقط به عامل عقل اعتبار دهیم، در این صورت اعمالی که امام بنام شریعت انجام می دهد، عبادت شمرده نخواهد شد، زیرا عقل به تنهایی نمی تواند تکلیف و وجوب ایجاد کند.(کار عقل محدود است به دستورات کلی از قبیل اجتناب از بدی کردن به دیگری، خودداری از سوء رفتار و مراعات حق و عدالت).

از طرف دیگر هر کس در رفتار خود از دستورات عقلی خویش پیروی می کند نه از دستورات عقلی شخص دیگر، حال اگر شرع را کنار بگذاریم و امور را فقط به عقول واگذار کنیم، واضح است که به علت تعدد عقول و

تعدد قضاوتهای شخصی، نتیجه ای جز هرج و مرج نخواهیم گرفت. برای جلوگیری از این هرج و مرج است که شرع دخالت نموده وامور انسانی را به کسی که عهده دار نمایندگی شرع است، سپرده است.

دلیل چهارم (قرآن): ماوردی، از مجموعه دلایل قرآنی که می توانسته است بدانها استناد جوید تنها به آیه 59 سوره مبارکه نساء اکتفاء نموده است ﴿یَا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ اطِیعُواْ اللّهَ وَاطِیعُواْ الرَّسُولَ وَاوْلِی الامْرِ مِنکُمْ فَان تَنَازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ الَی اللّهِ وَالرَّسُولِ ان کُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ ذَلِک خَیْرٌ وَاحْسَنُ تَاوِیلاً﴾. وی سپس «اولی الامر» را به «ائمه» تفسیر نموده و گفته است که اطاعت آنها بر طبق آیه بر ما واجب است. البته بهتراین بود که وی دلیل خود را با این عبارت به نتیجه می رساند که: وجوب اطاعت برای کسی است که نصب وی واجب باشد.

ناگفته نماند که مفسیرین در معنای اولی الامر اختلاف دارند. چنانچه ماوردی اقوال دیگری را در معنای این کلمه انتخاب میکرد، مثلا قولی که می گوید منظور از اولی الامر همه امت است یا اهل حل و عقد است یا... نمی توانست صراحتاً جهت اثبات مطلب از این آیه استفاده نماید.

ابن تیمیه، وجوب امامت را از آیه قبلی آن یعنی آیه امراء استفاده نموده و گفته است: وقتی آیه، اداء امانت به اهلش و حکم به عدل را واجب نموده است، پس این دو مبنا، سیاست عادله و ولایت صالحه را تشکیل می دهند(1).

برخی آیه 41 سوره حج(الذین ان مکناهم فی الارض....) وهمچنین کلیه آیات حدود را ناظر به وجوب تشکیل حکومت اسلامی دانسته و آن را الازمه تمکن در زمین و اقامه حدود الهی و مقدمه واجب آنها شمرده اند.

دلیل پنجم(سنت): در این بخش، عموم فقهای اهل سنت به سنت عملی پیامبر گرامی اسلام از قبیل گرفتن خراج و غنائم، عهده داری قضاوت، اجرای مجازاتها، تعیین فرمانداران و فرماندهان لشکرها، گسیل مبلغان و ماموران جمع آوری صدقات، اعلام جهاد، انعقاد پیمان ها و... استناد نجسته اند.

ماوردی از سنت قولـ(احادیث و روایات) یک حدیث آورده است که آن را هشام بن عروه از ابی صالح و او نیز از ابی هریره و او نیز از پیامبر اکرم صلی ا علیه وآله وسلم روایت نموده است. متن حدیث چنین

است:

«سیلیکم بعدی ولاه فیلیکم آلبُر ببره، ویلیکم الفاجر بفجوره، فاسمعوا لهم واطیعوا فی کل ما وافق الحق، فان احسنوا فلکم ولهم. وان اساء وافلکم وعلیهم»(2).

ترجمه حدیث این است که: «پس از من رؤسای دیگری بر شما حکومت خواهند کرد. آدم متقی با تقوای خویش و آدم فاسد بافساد خویش، حکومت خواهند کرد. ولی به هر حال از کلیه دستورات آنان که مطابق باشرع باشد، پیروی و اطاعت کنید.

اگر خوب عمل کنند، هم به نفع شماست و هم به نفع آنان. اگر بد عمل کنند، باز بسود شما خواهد بود ولی به زیان آنان تمام خواهد شد».

_____

1 ـ ابن تیمیه - السیاسه الشرعیه فی اصلاح الراعی والرعیه - 15 - 16.

2 ـ الماوردی، ابو الحسن - الاحکام السلطانیه - ص 5.

انتخاب این حدیث از بین احادیث فراوانی که درباره امامت وارد شده است، جای تامل دارد. در حالیکه از نظر محتو او پیام نیز دلالت صریحی نمی تواند بر وجوب خلافت و امامت داشته باشد، بلکه تنها لزوم اطاعت از سرپرست جامعه - چه صالح و چه فاجر - را می رساند و نه چیزی بیشتر از این تا آنجایی که متون فقهی و کتب علمای شناخته شده اهل سنت مطالعه شد، هیچیک از آنان نیز برای اثبات وجوب امامت به این حدیث تمسک نجسته اند.

ابن حزم در «المحلی» و بسیاری دیگر از فقهای اهل سنت، این روایت را از پیامبر صلی ا علیه وآله وسلم آورده اند: «من مات ولیس فی عنقه بیعه مات میته جاهلیه»(1).

برخی نیز از روایت «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته. فالامام راع وهو مسئول عن رعیته...» که از

پیامبر اکرم صلی ا علیه وآله وسلم نقل شده است، استفاده نموده اند(2).

همانطور که ملاحظه می نمائید هیچیک از این احادیث اشاره ای به «خلافت» یا «امامت عظمی» ندارند بلکه به بیعت وامامت (به شکل عام آن نه امامت عظمی) و امثال اینها ناظرند. شاید دلیل عدم کاربرد این احادیث در نیل به مطلوب توسط ماوردی همین نکته باشد.

در مقابل، روایتی که ماوردی آورده است چون به لزوم اطاعت از هر حاکم و سرپرستی دلالت دارد، بصورت عام و فراگیر، خلافت را نیز مشروعیت می بخشد، هر چند وجوب خلافت (یعنی شکل خاصی از حکومت) را نمی رساند و در اینجا مشکلی را از ماوردی حل نمی کند. به تعبیر ساده تر، دلالت این حدیث، تنهابر لزوم وجود حکومت (نه حکومت اسلامی) است.

در این قسمت از مقاله، جهت اطلاع خوانندگان از نظریات مخالفین وجوب

_____

1 ـ ابن حزم - المحلی - ج 9 ص 359 نقل از صحیح مسلم - جزء 3 کتاب الامارة

2 ـ قلقشندی - مآثر الاناقة ج 1 ص 30.

امامت و خلافت(قائلین به جواز) فهرست وار دلائل آنها را می آوریم تا جایگاه نظرات قائلین به وجوب در بین مجموعه این دیدگاهها، روشن تر شود:

1 ـ مردم طبق طبیعت اولیه خود، به مصالحشان قیام می کنند، پس نیازی به نصب کسانی که تحکم کنند، نیست. نشانه آن انتظام احوال بادیه نشینان است که خارج از حکومت سلطان اند.

2 ـ بهره گیری از وجود امام در بسیاری از سرزمین ها، بدلیل دوری مسافت، متعذر است. پس فائده ای در نصب وی نیست، لذا واجب نیست.

3 ـ استیفاء شروط امامت در کاندیداهای امامت مسلمین در هر زمان متعذر است. پس اگر مردم، فاقد شروط را انتخاب و حاکم کنند، به واجب عمل نکرده اند، و اگر نصب نکنند، باز به واجب علم نکرده اند پس این وجوب، مستلزم دوران بین دو امر ممتنع است، لذا ممتنع است.

4 ـ در رابطه با نصب خلیفه، اجماع هم حاصل نشده است. زیرا مهاجرین وانصار در این مبحث، تنازع کردند(1). علاوه بر آرائی که مبتنی بر اثبات جواز نصب امام وخلیفه است، آراء دیگری خصوصا توسط علمای متاخر اهل سنت ارائه شده است که اصولاً مشروعیت خلافت را «وبالتبع وجوب آن را» زیر سؤال می برد. ما برای آگاهی از تکیه گاههای عمده نظریات آنها، به صورت اجمالی و مختصر دلایل آنها را می آوریم:

1 ـ قرآن کریم مسئله خلافت را مهمل گذاشته است. منظور از «اولی الامر» در آیات 62 و 84 سورۀ نساء، امراء مسلمین در عهد رسول و کبراء صحابه و کارگزاران حکومتی هستند نه خلفاء. نهایت اینکه این دو آیه می رسانند که در جامعه اسلامی،

_____

1 ـ قرعوش، محمود - طرق انتهاء ولایة الحکام - ص 22 - 20.

افرادی هستند که امور به آنها ارجاع می شود و این معنا، وسیع تر از این نوع خلافت و امامت عظمی است.

2 ـ قول خوارج و ابی بکر اصم از معتزله، اجماع ادعائی را می شکنند. هر چند نام آنها را شواذ بگذارند.

3 ـ احادیث نقل شده، هیچکدام ناظر به خلافت به معنی نیابت از نبی صلی ا علیه وآله وسلم نیست. ضمنا بکار بردن کلماتی چون امام در این احادیث برای تخاطب است نه دعوی وجوب شرعی، چرا که اکد خداوند بگوید با بردگان به نیکی رفتار کنید، دلیل نمی شود که بردگی در دین، مامور به یا مرغوب به است.

4 ـ اقامه شعائر دینی و اصلاح رعیت با انتظام و حکومت حل می شود نه مشکل خاصی از آن.

5 ـ چگونه ممکن است پیامبر اکرم صلی ا علیه وآله وسلم اگر می بایست خلیفه تعیین می فرمود و تصریح به حکومت اسلامی از نوع خاص می نمود، اینکار را نکرد و مهمل گذاشت. چیزی که موجب اغتشاش و خونریزی نیز گردید.

6 ـ زعامت پیامبر صلی ا علیه وآله وسلم زعامت دینی بود، اما پس از وفات ایشان، زعامت سیاسی و ملوکیت شد. سلطه پیامبر صلی ا علیه وآله وسلم یک سلطان عام بوده است نه ملوکیت رایج در حدود پنجاه آیه، از این نوع تسلط و ملوکیت نهی و ذم شده است.

7 ـ پس از پیامبر صلی ا علیه وآله وسلم، حکومت واحد و یکپارچه ای در عالم اسلامی نداریم و این مؤید قول ماست.

8 ـ الآن مسلمین بر سرنوع حکومت باهم بحث می کنند و این ثابت می کند که حکومت، یک امر دینی نیست، بلکه امری کاملا دنیوی است که جای مناقشه دارد.

9 ـ عماد خلافت همیشه بر غلبه وقوت و اکثر قوای مسلحه بوده است و

مشروعیت تاریخی آن نیز زیر سؤال است(1).

درست است که موارد مطرح شده در فوق بعضاً توسط علمای اهل سنت پاسخ گفته شده و بعضی از بندهای یاد شده از قبیل مورد هشت اصولاً یابی اساس اند یا دلیل تلقی نمی شوند. اما باید اذعان نمود که در مکتوبات ماوردی پاسخهای لازم به قائلین به جواز نصب امام و خلیفه و یا مخالفین مقام خلافت داده نشده و شیوه علمی ایشان در طرح مباحث، پیوست اکتفا به قول مختار بدون اشاره به نظریات مخالف است. دلایل عقلی مطرح شده توسط ایشان همگی ناظر به لزوم داشتن حکومت و دولت برای جلو گیری از نا امنی و بی عدالتی و هرج و مرج است و دلایل نقلی ایشان نیز فاقد ذکر و تبین نظریات گوناگون تفسیری حول آیات و احادیث و پاسخگویی لازم به این نظریات است.

برای اثبات این مطلب توجه خوانندگان را به سبک علمی تر یک عالم دیگر اهل سنت با همین مسئله جلب می نمائیم تا خالیگاههای بیان ماوردی در این مبحث نیز بهتر روشن شود« ابن خلدون» پس از ذکر دلایل وجوب امامت و تشریع تطریات قائلین به جواز، گوید «... و ایشان به دلیل اجماع مغلوبند و آنچه آنان را به پیروی از این مذهب واداشته، همانافرار آنان از پادشاهی و شیوه های آن، همچون دست درازی و غلبه بر دیگران و کامروائی از امور دنیوی است... ولی باید دانست که شرع، امور پادشاهی را به ذاته نکوهش نکرده و عهده داری آن را منع ننموده است. بلکه مفاسدی را که از سلطنت بر می خیزد چون قهر و ستمگری و کامرانی از لذات و شهوات، مورد مذمت قرار داده است... و گرنه داوود و سلیمان علیه السلام دارای آنچنان سلطنت و ملکی بودند که بی مانند بود و حال آنکه آنها از پیامبران الهی بودند..

_____

1 ـ رجوع کنید به: عبدالرزاق، علی - الاسلام واصول الحکم ص 39 تا 203.

ایضا: قرعوش، محمود - طرق انتهاء ولایة الحکام - ص20 ببعد.

ضمناً این عقیده به شما سودی نمی رساند، زیرا شما به وجوب اجرای احکام شریعت قائلید، واین امر هم حاصل نمی شود جز در سایه عصبیت و شوکت و طبیعت عصبیت هم اقتضای پادشاهی می کند. پس خواهی نخواهی پادشاهی، حاصل می گردد، هر چند امامی تعیین نشود و چنین وضعی عین آن چیزی است که شما از آن می گریزید...»(1).

به هر حال دلایل ماوردی به وجوب امامت و خلافت، مواردی است که قبلاً به تفصیل بیان نمودیم.

هانری لائوست: در کتاب «سیاست و غزالی» معتقد است، ماوردی با تاسیس این اصل(وجوب امامت و خلافت) دو نتیجه بدست آورده است. یکی قبول خلافت مطلقه که با وجود التزام به رعایت حدود و مقررات شرعی، دارای قدرت عملی بسیار و سیعی است و دوم: پذیرش وحدت واستمرار امامت(2).

ماوردی سپس نوع حکم وجوب را در این مسئله «وجوب کفائی» تعیین می کند و آن را چون جهاد و طلب علم می شمارد که چنانچه توسط فرد یا افرادی اقامه شوند از دیگران ساقط است. وی توضیح می دهد که در

صورتی که فردی جهت تصدی این مقام، قیام ننمود، مسئولیت به گردن دو دسته می افتد: یک دسته، اهل اختیار تا برای امت، امامی را تعیین نمایند و دسته دوم، اهل امامت اندتا یکی از آنها برگزیده شود.

هر یک از این گروهها نیز باید دارای شروط معتبری باشند که تفصیل آنها در منابع فقه سیاسی اهل سنت موجود است.

به عنوان نتیجه گیری کلی باید اذعان نمود که نظریه غالب و رایج در جهان اهل سنت و بسیاری دیگر از فرق این است که نصب امام وخلیفه و برپایی حکومت بر امت

_____

1 ـ ابن خلدون - مقدمه ج 1 ص 367 و 268.

2 ـ لائوست، هانری - سیاست و غزالی ج 2 ص 352.

واجب کفایی است. بخشی از دلایل مطرح شده قابل خدشه اند. دیدگاه شیعه وجوب نصب امام را متوجه خداوند می داند از باب حفظ قوانین شرع از تغییر(زیادت و نقص). قائلین به جواز و تفصیل نیز دلایلی ارائه کردند که پاسخ آنها را از زبان ابن خلدون و ماوردی و دیگران آوردیم. محققین از لابلای مباحثه و نقض و ابرام های مطرح شده توسط دیدگاههای مختلف، قادر خواهند بود به یاری خداوند متعال به نظریه صواب دست یابند. والحمد رب العالمین.

فهرست منابع و مآخذ

_____

قرعوش، محمود - طرق انتهاء ولایه الحکام - مؤسسه الرساله - بیروت.

- ماوردی، ابو الحسن - الاحکام السلطانیه والولایات الدینیه.

- قلقشندی - کآثر الانافه فی معالم الخلافه - مطبعه حکومه - کویت 1964.

ـ بغدادی، عبدالقاهر - اصول الدین - مطبعه الدولة - استانبول - 1343 هـ ق.

ـ ابی یعلی فراء محمد بن حسین الاحکام السلطانیه.

ـ ابن تیمیه، ابی العباس احمد - السیاسه الشرعیه فی اصلاح الراعی والراعیه - موسسه دار الشعب - قاهره.

ـ لائوست، هنری - سیاست و غزالی – جلد دوم.

ـ ابن حزم، احمد بن سعید - المحلی - جلد نهم - دار الفکر - بیروت.

ـ عبدالرزاق، علی - الاسلام واصول الحکم - دار المکتبه الحیاه - بیروت 1966.

ـ ابن خلدون - مقدمه - جلد اول - ترجمه محمد پروین گنابادی - انتشارات علمی و فرهنگی - 1366.